

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۶ (۱) علوم قرآن، پاییز و زمستان ۸۳، ص ۴۳-۶۴

آیه بودن بسمله از دیدگاه فریقین

زهرا رضا زاده عسگری^۱

چکیده

آیه بودن بسمله در سوره‌های قرآن و قرائت آن در نماز یکی از مسائل مورد اختلاف مسلمانان است. شیعه امامیه بر جزئیت بسمله و وجوب قرائت آن در نماز اجماع دارند. اما در میان اهل سنت در این مسأله اختلاف نظر وجود دارد. در این نوشتار به دیدگاه فریقین در این مسأله اشاره شده است و دلایل آیه بودن بسمله با استناد به روایات اهل بیت(ع) و اهل سنت، مورد بررسی قرار گرفته است، همچنین به منشأ این اختلاف و بررسی نظر اهل سنت در مورد عدم جزئیت بسمله و آیه بودن آن که سبب فائل بودن به تحریف در زیادتی و فزونی در قرآن می‌شود نیز پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها بسمله، جزئیت بسمله، قرائت بسمله، اجماع صحابه.

۱- طرح مسأله

تأمل در تاریخ سیاسی اسلام و نیز تاریخ حدیث نقش سیاستمداران، به ویژه معاویه و کارگزاران او را در جعل روایات و تحریف واقعیات نشان می‌دهد. این امر اختلاف عمیقی را میان تعالیم دو مکتب اهل بیت(ع) و مکتب خلفاء نه تنها در مسأله امامت بلکه در سایر مباحث مذهبی و عقیدتی ایجاد کرده است. یکی از این موارد، اختلاف بین دو مکتب در مورد آیه شریفه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ است که به آن «بسمله» و یا «تسمیه»

۱. مدرس گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران

نیز گفته می‌شود آیا بسمله جزئی از قرآن و یکی از آیات آن است؟ این مسأله سبب اختلافی فقهی در مورد قرائت آن در نماز شده است که آیا قرائت آن در نماز واجب است یا واجب نیست؟ امامیه بر آیه و جزء قرآن بودن بسمله و وجوب قرائت آن در نماز اجماع دارند اما اهل سنت در این مسأله اختلاف نظر داشته و عده‌ای از آنان بر این عقیده‌اند که بسمله آیه‌ای از قرآن و جزء سوره‌های آن نیست و از نظر فقهی در مورد قرائت آن و یا عدم قرائت آن در نماز نیز دچار اختلاف شده‌اند. در این نوشتار سعی بر آنست تا به بررسی دیدگاه فریقین در مورد «بسمله» و ذکر روایات مختلف در این مورد و علت تناقض این روایات پرداخته شود و به این سؤال که این اختلافات از چه زمانی آغاز شده و منشأ آن چیست پاسخ داده شود.

۲- فرضیه تحقیق

بررسی تاریخی این مسأله در حقیقت گویای نقش بنی امیه و خصوصاً معاویه در تحریف حقایق دینی و قرآنی، و ایجاد اختلاف در مسائل علوم قرآنی و حدیث است که در نهایت به ایجاد اختلاف در مسائل فقهی و عقیدتی نیز انجامیده است. این خود می‌تواند دورنمایی از اختلافات موجود در سایر مباحث مذهبی میان مکتب اهل بیت (ع) و مکتب خلفا را ترسیم نماید.

از سوی دیگر از عصر شیخ مفید تا دوران معاصر، اندیشمندان شیعه با هدف حفظ و حراست از قرآن همواره از عقیده «پیراستگی قرآن از تحریف» دفاع کرده‌اند و پاره‌ای از آنان نیز کتابهای مستقلی در این زمینه نگاشته‌اند (معرفت، ۱۱). علی‌رغم آنچه وهابیت رواج می‌دهد، دیدگاه تحریف کتاب در برخی از منابع روایی اهل سنت طرح شده است. روایاتی در کتب اهل سنت آمده است که گویای آن است که مسأله تحریف از کتب آنها نشأت گرفته است که این روایات را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود (محمدی، ۱۵۷-۱۵۸).

پاره‌ای از روایات مبنی بر تحریف قرآن روایاتی است که به زیادت و افزودن آیات و سور و کلماتی در مصحف موجود دلالت می‌کند، مانند روایاتی که از طریق اهل سنت رسیده است و در آن روایات به آیه نبودن بسمله و عدم جزئیت آن در قرآن و عدم قرائت

آن در نماز اشاره شده است. حال آنکه از طریق شیعه و عده‌ای از اهل سنت روایات بسیاری در حد تواتر در مورد جزئیت بسمله و آیه بودن آن و قرائت آن در نماز با صدای بلند توسط رسول خدا(ص) و خلفاء و صحابه رسیده است. چنانکه فخر رازی در این زمینه می‌گوید: «این مطلب با نقل متواتر ثابت شده است که «بسمله» کلامی است که خداوند متعال بر محمد(ص) نازل کرده و در مصحف به خط قرآن نگاهشته شده است و هر چه غیر از قرآن باشد به خط قرآن نگاهشته نشده است و از آنجا که بر نگاهشتن آن به خط قرآن اجماع شده درمی‌یابیم که «بسمله» آیه‌ای از قرآن است» (فخر رازی، ۱/۱۹۵، ۱۹/۱۶۰).

۳- وجوه اختلاف در آیه بودن بسمله

دانشمندان مسلمان در آیه بودن بسمله از جهات گوناگونی اختلاف نظر دارند. آنان در این که بسمله در سوره نمل، آیه ۳۰ *إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمٍ وَأَنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ* آیه‌ای از قرآن است اتفاق نظر دارند اما در مورد این که آیا بسمله آیه‌ای از سوره فاتحه و آغاز هر یک از سوره‌های قرآن است اختلاف نظر وجود دارد. در این زمینه اقوال و نظرات مختلفی وجود دارد که به مهم‌ترین و معروف‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

۳-۱- جزئیت بسمله در همه سوره‌های قرآن

بسمله در سوره فاتحه و سوره‌های دیگر قرآن آیه مستقلی است. شیعه امامیه بر این مطلب اتفاق نظر دارند که «بسم الله» در آغاز هر سوره جزء همان سوره است (طوسی، التیان، ۱/۲۴، طبرسی، ۱/۱۸، کاشانی، ۱/۳۸ رستگار جویباری، ۱/۲۹، شبیر، ۱/۱۴). این نظر به شافعی نیز نسبت داده شده است (آلوسی، ۱/۳۹، میدی، ۱/۳، فخر رازی، ۱/۱۹۴) و قاریان مکه و کوفه نیز جزء بودن بسم الله را قطعی و مسلم دانسته‌اند (شوکانی، ۱/۱۵). فخر رازی در تفسیرش این نظریه را اختیار نموده و برای اثبات آن دلالی را آورده است (۱/۱۹۶-۲۰۰). سیوطی نیز این نظریه را برگزیده و بر این عقیده است که روایات آن تواتر معنوی دارند (الاتقان، ۱/۲۱۷).

ابن کثیر و قالون و عاصم و کسائی در تمام قرآن جز بین سوره انفال و براءت، بسمله را ذکر می‌کردند و در عدم ذکر تسمیه سوره براءت اختلافی نیست (آلوسی، ۱/۳۹).

دانی، ۲۶). از عده دیگری مانند عبدالله بن عمرو و ابن زبیر و ابوهریره و عطاء و طاوس و سعید بن جبیر و مکحول و زهری و احمد بن حنبل بنا به نقلی و اسحاق بن راهویه و ابو عبید قاسم بن سلام هم نقل گردیده است (خویی، ۴۴۱).

۲-۳- جزئیت بسمله در سوره حمد

عده‌ای بر این عقیده‌اند که بسم الله تنها در سوره فاتحه آیه‌ای مستقل و کامل است یعنی در سوره حمد جزء قرآن است و در سایر سوره‌ها جزئیت ندارد این نظر به حمزه و بعضی از فقهای شافعی مذهب و احمد بن حنبل نیز نسبت داده شده است (نک: آلوسی، ۳۹/۱، رامیار، ۵۵۴، خویی، ۴۴۱).

۳-۳- عدم جزئیت بسمله

عده‌ای بر این عقیده‌اند که «بسم الله» جزء سوره حمد و هیچ یک از سوره‌های قرآن نیست. می‌گویند مالک و اوزاعی بر این رأی‌اند (نک: آلوسی، ۳۹/۱، فخررازی، ۱۹۴/۱، صابونی، ۳۴/۱). قرطبی در تفسیر خود نظر مالک را صحیح دانسته و آن را برگزیده است (قرطبی، ۶۶/۱).

برخی نیز بر این عقیده‌اند که این آیه برای تیمن و تبرک در آغاز سوره‌ها نازل شده و برای فاصله بین دو سوره می‌باشد و آنها را از یکدیگر جدا می‌سازد. این نظر را به ابو حنیفه نسبت داده‌اند (نک: نیشابوری، ۸/۱، نسفی، ۱۶/۱، ابی السعود، ۸/۱، صابونی، ۳۴/۱).

۴- دیدگاه مختار و ادله آن

در میان اقوال مختلف نظر صحیح همان نظر اول یعنی جزء بودن «بسم الله» است که جزء تمام سوره‌ها و یکی از آیات آنها است غیر از سوره توبه که بدون بسم الله نازل شده است. این همان نظر شیعه امامیه است. به بررسی ادله این دیدگاه می‌پردازیم.

۱-۴- روایات اهل بیت (ع)

روایات فراوانی از اهل بیت پیامبر (ص) نقل شده است که از همه آنها استفاده می‌گردد که «بسم الله» آیه‌ای از سوره حمد و سوره‌های دیگر قرآن غیر از برائت می‌باشد. نمونه‌هایی از این روایات را ذکر می‌نماییم.

۱- به امیرالمؤمنین (ع) گفتند: ای امیر مؤمنان، ما را از «بسم الله الرحمن الرحيم» آگاه ساز آیا آن جزء فاتحة الكتاب می باشد؟ گفت: «آری، رسول خدا (ص) آن را قرائت می کرد و یکی از آیات آن بشمار می آورد. و می گفت: «فاتحة الكتاب همان سبع المثانی است» (بحرانی، ۹۶/۱).

۲- ابو حمزه از ابو جعفر (امام باقر) نقل می کند او گفت: گرامی ترین آیه از کتاب خدا (یعنی) بسم الله الرحمن الرحيم را دزدیدند (عیاشی، ۱۰۰/۱، مجلسی، ۲۰/۸۲، ۲۳۶/۸۹).

۳- خالد بن مختار می گوید: از جعفر بن محمد (ع) شنیدم که می گفت: این مردم را چه می شود؟ - خدا آنان را بکشد - سوی عظیم ترین آیه از کتاب خدا رفتند و پنداشتند که اگر آن را در نماز آشکار کنند بدعت است و آن آیه بسم الله الرحمن الرحيم است (عیاشی، ۱۰۳/۱؛ مجلسی، ۲۱/۸۲).

۴- محمد بن مسلم می گوید: از ابا عبد الله (ع) درباره سبع مثانی و قرآن عظیم سؤال کردم که آیا همان سوره فاتحه است؟ فرمود: «آری» گفتم آیا بسم الله الرحمن الرحيم جزء هفت آیه است؟ گفت: بلی، برترین آیات آن است (طوسی، تهذیب، ۲۸۹/۲، حویزی، ۸/۱، مشهدی، ۲۸/۱).

۵- صفوان جمّال می گوید: ابو عبد الله (ع) گفت: خداوند از آسمان کتابی را نازل نکرد مگر آنکه آغاز آن بسم الله الرحمن الرحيم بود و پایان هر سوره با نزول بسم الله الرحمن الرحيم که آغاز سوره دیگر بود شناخته می شد (عیاشی، ۱۰۰/۱، مجلسی، ۲۰/۸۲).

۱. قيل لأبي عبد الله (ع): يا أمير المؤمنين، أخبرنا عن «بسم الله الرحمن الرحيم» أهي من فاتحة الكتاب؟ فقال: «نعم، كان رسول الله (ص) يقرأها ويعدّها منها ويقول: فاتحة الكتاب هي السبع المثاني».
۲. عن أبي حمزة، أبي جعفر (ع) قال: «سرقوا أكرم آية في كتاب الله «بسم الله الرحمن الرحيم»».
۳. ... خالد بن المختار، قال: سمعت جعفر بن محمد (ع) يقول: «ما لهم - قاتلهم الله - عمدوا إلى أعظم آية في كتاب الله، فزعموا أنها بدعة إذا أظروها، و هي «بسم الله الرحمن الرحيم»».
۴. ... عن محمد بن مسلم، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن السبع المثاني و القرآن العظيم، أهي الفاتحة؟ قال: «نعم» قلت: «بسم الله الرحمن الرحيم» من السبع؟ قال: نعم، هي أفضلهن.

۱. (۲۳۶/۸۹)

روایات دیگری نیز از ائمه (ع) نقل شده که همه این روایات بر این مطلب دلالت می‌کند که بسم الله الرحمن الرحيم جزء قرآن و آیه‌ای از تمام سوره‌های آن غیر از براءة می‌باشد.

۲-۴- روایات اهل سنت

از طریق اهل سنت روایات زیادی نقل گردیده است که بر جزء بودن و آیه بودن «بسم الله» در تمام سوره‌های قرآن دلالت دارد. به ذکر برخی از این روایات می‌پردازیم:

الف- روایات آیه بودن بسمله در همه سوره‌های قرآن

۱- انس می‌گوید: روزی رسول خدا (ص) در میان ما نشست بود که خواب سبکی بر او چیره شد سپس تبسم کنان سرش را بلند کرد. گفتیم: یا رسول الله سبب خنده شما چیست؟ گفت همین لحظه پیش سوره‌ای بر من نازل گردید، آنگاه خواند «بسم الله الرحمن الرحيم - انا اعطيناک الکوثر...» (مسلم، ۳۰۰/۱، نسائی، ۱۳۳/۲-۱۳۴، ابوداود، ۲۰۶/۱، احمد بن حنبل، ۵۳۸/۳، بیهقی، ۳۳۸/۲، سیوطی، الاتقان، ۱/۲۲۰).

۲- طلحة بن عبیدالله می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود: هر کس بسم الله الرحمن الرحيم را ترک کند، در حقیقت آیه‌ای از کتاب خدا را ترک کرده است (سیوطی، الدر المنثور، ۷/۱، متقی هندی، ۱/۵۵۶).

۳- عبدالله بن عباس می‌گوید: بسم الله الرحمن الرحيم آیه است (سیوطی، همانجا).

۴- از ابن عباس نقل کنند که او گفت: مسلمانان پایان سوره را نمی‌شناختند تا آن که آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» نازل می‌شد، در این صورت در می‌یافتند که سوره پایان یافته

۱. عن صفوان الجمال. قال: قال أبو عبد الله (ع): «ما أنزل الله من السماء كتاباً إلا و فاتحته «بسم الله الرحمن الرحيم» و إنما كان يعرف انقضاء السورة بنزول «بسم الله الرحمن الرحيم» ابتداءً للآخرى»
 ۲. عن انس. قال: «بينما رسول الله (ص) ذات يوم بين أظهرنا إذ أغفى إغفاءة ثم رفع رأسه متبسماً فنقلنا: ما أضحكك يا رسول الله؟ قال: أنزلت عليّ آناً سورةً فقرأ: «بسم الله الرحمن الرحيم» انا أعطيناك الکوثر...»
 ۳. عن طلحة بن عبیدالله قال: قال رسول الله (ص) من ترك بسم الله الرحمن الرحيم فقد ترك آية من كتاب الله...
 ۴. عن عبد الله بن عباس قال: «بسم الله الرحمن الرحيم» آية...

است (حاکم، ۲۳۱/۱-۲۳۲، سیوطی، همانجا).^۱ حاکم می‌گوید: این حدیث بنا بر شرط بخاری و مسلم صحیح است (حاکم، همانجا).

۵- از ابن عباس نقل شده است که پیامبر (ص) هرگاه جبرئیل نزد او می‌آمد و بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ می‌خواند می‌دانست که یک سوره نازل شده است (حاکم، ۲۳۱/۱، سیوطی، همانجا).^۲

از ابن مسعود و سعید بن جبیر نیز روایاتی با همین مضمون که از ابن عباس وارد شده نقل گردیده است (نک: سیوطی، همانجا).

۶- ابن عمر گفت: بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ در هر سوره نازل گردید (سیوطی، همانجا).^۳

ب - روایات آیه بودن بسمله در سوره حمد

۱- ام سلمه می‌گوید: پیامبر (ص) (در نماز) چنین می‌خواند «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - الحمد لله رب العالمین... ولا الضالین» آیه آیه می‌خواند و بسم الله الرحمن الرحيم را آیه‌ای برمی‌شمرد. حاکم می‌گوید این حدیث براساس شرط شیخین صحیح است. (حاکم، ۲۳۲/۱، بیهقی، ۳۳۹/۲، سیوطی، همانجا).^۴

۲- از عبد خیر روایت کرده‌اند که گفت: از علی (رضی الله عنه) درباره سبع مثنائی سؤال گردید گفت: «سبع مثنائی» سورة الحمد لله رب العالمین است. به او گفته شد که این سوره شش آیه است گفت: «بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» نیز یک آیه است (بيهقي، ۳۴۱/۲، سیوطی، الدرالمشور، ۳/۱، الاتقان، ۲۱۹/۱).^۵

۱. عن ابن عباس قال: كان المسلمون لا يعرفون انقضاء السورة حتى تنزل «بسم الله الرحمن الرحيم» فاذا نزلت عرفوا ان السورة قد انقضت.

۲. عن ابن عباس، أن النبي كان اذا جاءه جبريل فقرأ بسم الله الرحمن الرحيم علم أنها سورة.

۳. عن ابن عمر، قال: نزلت «بسم الله الرحمن الرحيم» في كل سورة.

۴. عن أم سلمة قالت: إن النبي (ص) كان يقرأ بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين... ولا الضالين «قطعها آية آية وعد بسم الله الرحمن الرحيم آية.

۵. عن عبد خیر قال سئل علي (رضی الله عنه) عن سبع المثنائی فقال: الحمد لله رب العالمین. فقيل له إنما هي ست آيات. فقال: بسم الله الرحمن الرحيم آية.

۳- از ابوهریره نقل شده است که گفت: رسول خدا(ص) گفت: هرگاه سوره حمد را خواندید بسم الله الرحمن الرحيم را نیز بخوانید زیرا این سوره اصل قرآن و ام الكتاب و سبع المثانی است و بسم الله الرحمن الرحيم نیز یکی از آیات آن است (بيهقي، ۳۴۲/۲، سیوطی، الدر المنثور، ۳/۱).^۱

۴- از ابوهریره نقل کرده اند: رسول خدا(ص) گفت: (سوره حمد) هفت آیه است. بسم الله الرحمن الرحيم یکی از آیات آن است. و این سوره همان سبع المثانی و قرآن عظیم و ام القرآن و فاتحة الكتاب است (بيهقي، ۳۴۱/۲، سیوطی، الدر المنثور، ۳/۱، متقی هندی، ۵۶۰/۱).^۲ روایات دیگری از ابوهریره در این مورد نقل شده است (نک: سیوطی، همان، ۳/۱).

۵- از ابن عباس نقل شده است که گفت: پیامبر اکرم(ص) نمازش را با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می کرد (ترمذی، ۴۴/۲، سیوطی، الدر المنثور، ۸/۱).^۳

۶- جابر می گوید: رسول خدا(ص) به من گفت: هنگامی که به نماز می ایستی چگونه قرائت می کنی گفتیم: چنین می خوانم، الحمد لله رب العالمین، گفت: بگو «بسم الله الرحمن الرحيم» (سیوطی، الدر المنثور، ۸/۱).^۴ در این مورد روایات دیگری نیز نقل شده است (نک: سیوطی، همان، ۸۳/۱).

ج- روایات بلند خواندن بسمله در نماز

۱- انس می گوید: شنیدم که رسول خدا(ص) بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می خواند (حاکم، ۲۳۳/۱، سیوطی، همان، ۸/۱).^۵

۱. عن أبي هريره قال: قال رسول الله(ص): إذا قرأتم الحمد فاقروا «بسم الله الرحمن الرحيم» إنها أم القرآن و أم الكتاب و السبع المثاني. و «بسم الله الرحمن الرحيم» إحداهما.

۲. عن أبي هريره قال: قال رسول الله(ص) «الحمد لله رب العالمين» سبع آيات بسم الله الرحمن الرحيم إحداهن و هي السبع المثاني و القرآن العظيم و هي أم القرآن و هي فاتحة الكتاب.

۳. عن ابن عباس قال: كان النبي(ص) يفتتح صلاته ب«بسم الله الرحمن الرحيم».

۴. عن جابر. قال: قال لي رسول الله(ص) كيف تقرأ إذا قمت إلى الصلاة قلت أقرأ الحمد لله رب العالمين. قال: قل «بسم الله الرحمن الرحيم».

۵. عن أنس قال: سمعت رسول الله(ص) يجهر بيسم الله الرحمن الرحيم».

۲- علی بن ابی طالب (ع) می‌گوید: پیامبر (ص) بسم الله الرحمن الرحيم را در هر دو سوره بلند می‌خواند (همانجا، ۸/۱).^۱

۳- عایشه می‌گوید: رسول خدا (ص) بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می‌خواند (همانجا).^۲

۴- ابوهیره می‌گوید: رسول خدا (ص) بسم الله الرحمن الرحيم را در نماز بلند می‌خواند ولی مردم آن را ترک کردند (بیهقی، ۳۴۴/۲، سیوطی، همانجا).^۳

از طریق اهل سنت روایات دیگری رسیده است که راویان نقل می‌کنند پشت سر رسول خدا (ص) یا یکی از خلفا نماز خوانده‌اند و شنیده‌اند که آنها «بسم الله» را در نماز بلند می‌خوانده‌اند. در ذیل برخی از این روایات را ذکر می‌کنیم:

۱- ابن عمر می‌گوید: پشت سر پیامبر (ص) و ابوبکر و عمر نماز خواندم. آنها بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می‌خواندند (سیوطی، همانجا).^۴

۲- انس می‌گوید: پشت سر پیامبر و ابوبکر و عمر و عثمان و علی نماز خواندم و همه آنها بسم الله الرحمن الرحيم را بلند می‌خواندند (حاکم، ۲۳۴/۱).^۵

۳-۴- مکتوب بودن بسمله در همه مصاحف

یکی از دلایلی که برای اثبات جزئیت بسمله ذکر می‌کنند، مکتوب بودن بسمله در همه مصاحف است. برخی این دلیل را بهترین و قوی‌ترین دلیل دانسته‌اند (نک: خازن، ۱۹/۱؛ رشید رضا، ۸۴/۱). در مصحف امام و مصاحفی که از روی آن نوشته شده بود، در اول همه سوره‌های قرآن غیر از برائت بسمله ذکر شده بود. صحابه چیزی را که جزء قرآن نبود در مصحف نمی‌نوشتند تا آن جا که از نگارش اسامی سوره‌ها و اعراب و نقطه‌گذاری قرآن و هر چیزی که با قرآن خلط شود جلوگیری می‌کردند. بنابراین وجود

۱. عن علی بن ابی طالب قال: کان النبی (ص) یجهر بسم الله الرحمن الرحيم فی السورتین جمیعاً.

۲. عن عائشه، أن رسول الله (ص) کان یجهر بسم الله الرحمن الرحيم.

۳. عن ابی هریره قال: کان رسول الله (ص) یجهر فی الصلاة بسم الله الرحمن الرحيم، فترك الناس ذلك.

۴. عن ابن عمر، قال صلیت خلف النبی (ص) و ابی بکر و عمر فکانوا یجهرون بسم الله الرحمن الرحيم.

۵. عن أنس قال: صلیت خلف النبی (ص) و خلف ابی بکر و خلف عمر و خلف عثمان و خلف علی

فکانهم کانوا یجهرون بقراءة «بسم الله الرحمن الرحيم».

«بسم الله» در اول سوره‌های قرآن دلیل بر آن است که آیه‌ای از هر یک از سوره‌های قرآن است (ابوالفتوح رازی، ۱/۲۵-۲۶؛ فخر رازی، ۱/۱۹۷؛ بیضاوی، ۱/۵؛ صابونی، ۱/۳۵).

۴-۴- اجماع بر قرآن بودن مابین الدفتین

مسلمانان بر این مطلب که مابین الدفتین، قرآن و کلام خداست اجماع دارند. و «بسم الله» مابین الدفتین قرار دارد پس کلام خداوند تعالی است (فخر رازی، ۱/۱۹۸، بیضاوی، ۱/۵، رشید رضا، ۱/۹۴).

اما اینکه برخی می‌گویند بسم الله جزء قرآن است ولی آیه نیست و برای فاصله انداختن بین سوره‌ها می‌باشد. دلیل بر بطلان نظر آنان ضبط «بسم الله» در سوره حمد و عدم ضبط بسم الله در سوره براءت است زیرا اگر هدف تنها علامت گذاری و فاصله بودن در میان سوره‌ها بود جریان برعکس می‌گردید، بسم الله در اول سوره براءت ضبط می‌شد نه در اول سوره حمد (خویی، ۴۴۸).

۴-۵- سخن رسول خدا (ص) در اهمیت بسمله

این سخن رسول خدا (ص) را به عنوان یکی از دلایل آیه بودن بسم الله ذکر کرده‌اند که آن حضرت گفت: «كَلَّ امرٌ ذی بال لم یبدأ فیه باسم الله فهو ابتر»^۱ (فخر رازی، ۱/۱۹۸، بیضاوی، ۱/۶، کاشانی، ۱/۳۰، جرجانی، ۱/۱۵، متقی هندی، ۱/۵۵۸، فیض کاشانی، ۱/۵۲، طباطبایی، ۱/۱۶، مجلسی، ۷۶/۳۰۵).

فخر رازی می‌گوید: بعد از ایمان به خدا بزرگترین اعمال نماز است پس قرائت سوره فاتحه بدون بسم الله سبب می‌شود که نماز ناقص و ابتر باشد. لفظ ابتر دلالت بر نهایت نقصان و خلل می‌کند زیرا خداوند تعالی برای ذم کافری که دشمن رسول خدا (ص) بود فرمود: «ان شئتک هو الابتر» بنابراین نماز بدون بسم الله در نهایت نقص و خلل است و همه کسانی که به این نقص و خلل اعتراف کرده‌اند به باطل بودن چنین نمازی قائل هستند. بنابراین «بسم الله» جزء فاتحه است و قرائت آن واجب می‌باشد (فخر رازی، ۱/۱۹۸).

۱. هر امری از امور که اهمیتی داشته باشد اگر به نام خدا آغاز نشود ناقص و ابتر می‌ماند و به نتیجه نمی‌رسد.

۴-۶- تواتر

با توجه به این که از طریق اهل سنت در مورد آیه بودن «بسم الله» روایات زیادی نقل شده است، عده‌ای به تواتر آن اذعان کرده‌اند. فخر رازی می‌گوید: به عقیده من در مورد اینکه بسم الله الرحمن الرحیم سخنی است که خداوند بر محمد (ص) نازل کرد و در مصحف به خط قرآن نوشته شده است نقل متواتر وجود دارد (فخر رازی، ۱/۱۹۵).

سیوطی در ردّ دیدگاه منکران متواتر بودن جزئیت «بسم الله» در سوره‌های قرآن می‌گوید: در اثبات تواتر بسم الله همین بس که در مصاحف صحابه و بعد از آنان، با همان خط مصحف ثبت گردیده است، با توجه به این که در مصحف از نوشتن غیر قرآن از قبیل نام سوره‌ها و آمین و عشرها، منع کرده بودند، بنابراین اگر از قرآن نبود اجازه نمی‌دادند که با همان خط در مصحفها ثبت شود زیرا این کار مردم را بر این که «بسم الله» از قرآن است معتقد می‌کند و در این صورت به فریب دادن مسلمانان اقدام کرده‌اند و آنان را بر اعتقاد به قرآن بودن چیزی که از قرآن نیست وادار کرده‌اند، که این اعتقاد درباره صحابه جایز نیست. اگر گفته شود: شاید برای فاصله بین سوره‌ها آورده شده، پاسخ داده می‌شود که این کار فریب دادن است و تنها برای فاصله جایز نیست چنین کاری انجام شود و اگر واقعاً برای این جهت بود بین برائت و انفال هم نوشته می‌شد (سیوطی، الاتقان، ۱/۲۱۸).

۴-۷- اجماع عملی مسلمانان بر قرائت بسمله

از صدر اسلام تاکنون مسلمانان در آغاز تمام سوره‌های قرآن به جز سوره برائت «بسم الله» را قرائت می‌کنند و به طور متواتر ثابت شده است که خود رسول خدا (ص) نیز بسم الله را در آغاز سوره‌ها قرائت می‌کرد. از آنجا که پیامبر اکرم (ص) در مقام تعلیم و بیان بوده است اگر بسم الله جزء قرآن نبود آن را یادآوری می‌کرد اما این مطلب حتی به صورت خبر واحد نیز به ما نرسیده است.

انس بن مالک می‌گوید: معاویه در مدینه نماز خواند و صدایش را در قرائت آن بلند کرد و بسم الله الرحمن الرحیم را در سوره حمد بلند خواند ولی در سوره بعد از حمد بسم الله را قرائت نکرد پس از سلام نماز مهاجران و انصار از هر طرف او را مورد عتاب قرار دادند که ای معاویه آیا از نماز سرقت کردی یا فراموش کردی؟ آنگاه در نماز بعدی

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را برای سوره بعد از حمد قرائت کرد و در موقع سجده رفتن نیز تکبیر گفت (حاکم، ۲۳۳/۱، بیهقی، ۳۴۶/۲-۳۴۷، سیوطی، الدر المنثور، ۸/۱، فخررازی، ۱۹۸/۱-۱۹۹).

حاکم در مورد این روایت می‌گوید: این روایت با شرط مسلم صحیح می‌باشد (حاکم، ۲۳۳/۱). فخررازی می‌گوید: «این خبر دلیل بر اجماع صحابه بر این مطلب است که «بِسْمِ اللَّهِ» آیه‌ای از قرآن و آیه‌ای از سوره حمد است» (فخر رازی، ۱۹۸/۱-۱۹۹).

۵) روایات معارض با روایات وجوب قرائت بسمله

در برابر روایات زیادی که در مورد قرائت بسمله در نماز از طریق اهل بیت (ع) و اهل سنت رسیده است در کتب اهل سنت چند روایت معارض با روایات یاد شده آمده است در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم.

۱- قتاده از انس بن مالک نقل می‌کند که او گفت: من با رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچیک از آنها نشنیدم که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را در نماز قرائت کنند (مسلم، ۲۹۹/۱، احمد بن حنبل، ۵۵۲/۳).

۲- قتاده از انس نقل می‌کند که او گفت: رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان قرائت نماز را با الحمد لله رب العالمین آغاز می‌کردند (نسائی، ۱۳۳/۱، ترمذی، ۴۵/۲، ابن ماجه، ۲۶۷/۱، دارمی، ۲۸۳/۱، بیهقی، ۳۵۰/۲، امینی، ۱۷۷/۸ با اندکی اختلاف در الفاظ).^۲

۳- یزید بن عبدالله می‌گوید: من بسم الله الرحمن الرحيم را خواندم و پدرم شنیدم نگاه گفت: فرزندم از خواندن «بِسْمِ اللَّهِ» خودداری کن. و نیز توضیح داد که من در میان تمام اصحاب رسول خدا (ص) بدعتی در اسلام مبعوض تر از خواندن بسم الله ندیدم و من با رسول خدا و ابوبکر و عمر و عثمان نماز خواندم و از هیچ یک از آنان نشنیدم که

۱. عن قتادة عن أنس بن مالك. قال: صلّيت مع رسول الله (ص) و أبي بكر و عمر و عثمان فلم أسمع احدا منهم يقرأ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

۲. عن قتادة عن أنس: كان رسول الله (ص) و أبو بكر و عمر و عثمان يفتتحون القراءة بالحمد لله رب العالمين.

بسم الله را بخوانند. پس تونیز آن را مگو و هنگامی که نماز می خوانی بگو «الحمد لله رب العالمین» (ترمذی، ۴۳/۲ ابن ماجه، ۲۶۷/۱، ۲۶۸ با اندکی اختلاف در الفاظ، احمد بن حنبل، ۱۸۹/۴-۱۹۰).^۱

۱-۵) بررسی روایات معارض

در مورد روایت اول و دوم چند نکته قابل ذکر است: ۱- این دو روایت با روایات زیادی که از طریق اهل بیت (ع) و نیز اهل سنت نقل گردیده که رسول خدا (ص) بسم الله را در نماز می خواند و آن را آیه ای از سوره حمد به شمار می آورد، تعارض دارد و نمی توان آن روایات را نادیده گرفت و این یک روایت را تصدیق کرد.

۲- روایات دیگری از خود انس نقل شده که با این روایات تعارض و مخالفت دارد. مانند: الف - قتاده نقل می کند که از انس بن مالک در مورد قرائت رسول خدا (ص) سؤال شد که چگونه بود، گفت: او سوره حمد را با مدّ و کشش می خواند. سپس آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» را می خواند. «بسم الله» را با مدّ قرائت می کرد، «الرحمن» را با مدّ و «الرحيم» را با مدّ می خواند (ابن سعد، ۲۸۴/۱، بخاری، ۵۹۹/۳، بیهقی، ۳۴۲/۲، شوکانی، ۱۶/۱).^۲

ب - انس بن مالک می گوید: شنیدم که رسول خدا (ص) بسم الله الرحمن الرحيم را بلند قرائت کرد (حاکم، ۲۳۳/۱ سیوطی، الدرالمشور، ۸/۱).^۳

ج - قتاده روایت دیگری از انس بن مالک در مورد عدم ذکر بسم الله، نقل کرده که با روایات دیگر نقل شده از انس بن مالک تعارض دارد. در آن روایت انس نقل می کند که معاویه در مدینه در نماز بسم الله را نخواند و مورد اعتراض مهاجرین و انصار قرار

۱. عن يزيد بن عبد الله، قال: سمعني أبي و أنا أقول «بسم الله الرحمن الرحيم» فقال أي بنی إياك. قال: و نه أرحدا من أصحاب رسول الله (ص) كان أبغض اليه حدثاً في الإسلام منه. فاني قد صليت مع رسول الله (ص) و مع أبي بكر و عمر و مع عثمان فتم أسمع أحدا منهم يقولها فلا تقنها. إذا أنت قرأت فقل: الحمد لله رب العالمين.

۲. عن قتاده. قال: سئل أنس بن مالك. كيف كانت قراءة رسول الله (ص)؟ قال: كانت مدّاً ثمّ قرأ «بسم الله الرحمن الرحيم» يمدّ: «بسم الله» و يمدّ «الرحمن» و يمدّ «الرحيم»

۳. عن انس بن مالك قال: سمعت رسول الله يجهر بيسم الله الرحمن الرحيم.

گرفت، سپس در نماز بعدی بسم الله را قرائت کرد (حاکم، ۲۳۳/۱، سیوطی، همانجا، ۸/۱) حاکم می‌گوید: این حدیث بنا بر شرط مسلم صحیح است و آن را دلیلی برای رد حدیث قتاده از انس می‌داند که در آن آمده است که رسول خدا (ص) و خلفا بسم الله را در نماز قرائت نمی‌کردند. وی همچنین می‌گوید: قتاده در حدیث تدلیس می‌کرد و از همه کس روایت را اخذ می‌کرد و اگر چه حدیث قتاده در صحیح آمده است اما شواهدی بر ضد آن وجود دارد.

ذهبی در التلخیص سخن حاکم را در مورد قتاده تأیید می‌کند و می‌گوید: قتاده تدلیس می‌کرد (حاکم، ذیل آن تلخیص ذهبی ۲۳۳/۱). بنا بر این باید گفت که روایت قتاده از انس در مورد عدم ذکر بسم الله از موضوعات می‌باشد.

۲- در بررسی روایت دوم در می‌یابیم که این روایت با روایات متواتری که از طریق اهل بیت (ع) و اهل سنت نقل شده تعارض دارد و خواندن بسم الله در آغاز سوره‌ها به عنوان تبرک هم که باشد مستحب است پس در این روایت چگونه آن را بدعتی بزرگ می‌داند؟ در مورد سند این روایت نیز باید گفت که یزید بن عبدالله فرزند عبدالله بن مغفل است که صحابی بوده است و از کسانی است که در بیعت رضوان بوده است و در ۵۹ یا ۶۰ ق در بصره در زمان حکومت ابن زیاد از دنیا رفت (نک: ابن عبدالبر، ۱۹۶/۳، ۱۹۷، ابن اثیر، ۲۶۴-۲۶۵، ابن حجر، ۳۱۶/۷). اما فرزند او یزید بن عبدالله که راوی این روایت است مجهول می‌باشد.

۲-۵- علت تعارض روایات در مورد بسمله

با بررسی روایات دیگری در مورد بسمله می‌توان به علت اصلی تعارض روایات در این مسأله پی برد. به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱- روایاتی را در مورد نماز معاویه در مدینه و عدم قرائت بسمله در نماز و اعتراض مهاجرین و انصار به او که از نماز دزدیدی یا فراموش کردی، پیش‌تر نقل کردیم. این روایات می‌تواند بیانگر علت تعارض روایات دیگر باشد.

۲- روایت دیگری از ابن شهاب زهری نقل شده است که ابن شهاب زهری می‌گوید: اولین کسی که «بسم الله الرحمن الرحیم» را در مدینه آهسته خواند عمرو بن سعید بن

عاص بود (ذهبی، ۱۱۰/۱).^۱

۳- روایتی که از ابن عباس نقل شده است. ابن عباس می‌گوید: شیطان بزرگترین آیه قرآن یعنی «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را از مردم دزدید (سیوطی، الاتقان، ۲۱۸/۱، الدرالمشور، ۷/۱).^۲

روایات دیگری نیز با همین مضمون از ائمه اهل بیت (ع) و دیگران نقل شده است. از بررسی و جمع بندی این روایات می‌توان به این نتیجه رسید که ابتدا مسلمانان از زمان پیامبر اکرم (ص) تا زمان معاویه بسم الله الرحمن الرحيم را در سوره‌ها در نماز قرائت می‌کردند، همانگونه که در مصاحف آن را می‌نوشتند. تا زمانی که معاویه که حکومت شام را در دست داشت به مدینه آمد و مطابق عادت خویش نماز را بدون بسمله خواند و مورد اعتراض مهاجرین و انصار قرار گرفت که از نماز دزدیدی یا آن را فراموش کردی؟ آنگاه نماز را در مدینه با بسمله قرائت نمود، اما بر اساس عادت خویش در شام بسمله را در نماز ذکر نمی‌کرد و خلفای بنی امیه پس از او از وی تبعیت کردند، چنانکه وقتی عمرو بن سعید بن عاص اموی والی حرمین شد، اولین کسی بود که در مدینه بسمله را آهسته قرائت کرد تا هم کرامت معاویه را رعایت کند و کار او را تأیید کند و هم رأی و نظر صحابه و تابعین را در نظر گیرد. با افزایش قدرت و شوکت امویها بعد از کشتن رقیب خود ابن زبیر در مکه، احادیثی در تأیید معاویه و حفظ کرامت او در مورد عدم قرائت بسمله نقل شد و بعد از آن اهل سنت در این مسأله اختلاف نمودند که بعضی از آنها بسمله را قرائت می‌کردند و بعضی به تبعیت از معاویه آن را قرائت نمی‌کردند. چه کسانی که در حرمین شریفین بودند و چه غیر آنها.

بنابراین می‌توان گفت: روایات متناقض با روایات جهر بسمله روایاتی است که در زمان بنی امیه در خارج از مدینه و در شام جعل شده و به صحابه اسناد داده شده آنگاه بعد از عصر صحابه به مدینه و دیگر مناطق اسلامی راه یافته است.

در پاسخ این پرسش که چگونه معاویه مانند صحابه رسول خدا (ص) در مورد قرائت بسمله آگاهی نداشت می‌توان گفت: معاویه از مهاجران نخست و از انصار که

۱. اول من قرأ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سرّاً بالمدينة عمرو بن سعید بن العاص.

۲. عن ابن عباس. قال: استرق الشيطان من الناس أعظم آية من القرآن: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

سبقت‌پیشگان در ایمان محسوب می‌شوند نبود، بلکه او مشرکی بود که پس از فتح مکه ایمان آورد و رسول خدا(ص) مقداری از سهم تألیف قلوب از غنائم حنین را به او عطا کرد تا به اسلام متمایل شود اما او به اسلام تمایلی نداشت تا احکام آن را بیاموزد و پس از رسول خدا(ص) نیز مدت زیادی در مدینه نماند و خلیفه اول او را با اولین سپاه به غزوه شام فرستاد. با آگاهی از سیره معاویه پس از اسلام او در زمان پیامبر اکرم(ص) در می‌یابیم که چنین رفتاری از معاویه شگفت نیست، بنابراین می‌توان گفت: این روایات برای دفاع از خلیفه اموی جعل شد تا عدم آگاهی او به احکام اسلام نقضی برای او نباشد (نک: عسکری، ۲/۶۱-۶۵).

۶- روایت نزول تدریجی بسمله

در مورد بسمله روایت دیگری نیز در کتب اهل سنت آمده است که دلالت بر نزول تدریجی بسمله می‌کند. در ذیل به ذکر این روایت می‌پردازیم.

رسول خدا(ص) در نامه‌ها امر می‌کرد به نوشتن «باسمک اللهم» چنانچه قریش این چنین می‌نوشتند تا آنکه آیه اَرکبوا فیها بسم الله مجراها و مرسها (هود/۴۱) بر او نازل شد پس آن حضرت «بسم الله» را نوشت سپس آیه قل ادعوا لله أو ادعوا الرحمن (اسراء/۱۱۰) بر او نازل گشت آنگاه آن حضرت «بسم الله الرحمن» را نوشت و سپس آیه إنه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم (نمل/۳۰) بر او نازل شد پس آنگاه بسم الله الرحمن الرحیم را نوشت (ابن سعد، ۱/۲۰۲، آلوسی، ۱/۳۹، بغوی، ۱/۲۰).

با بررسی سیره رسول خدا(ص) در می‌یابیم که مکاتبات آن حضرت در مدینه و پس از تشکیل حکومت اسلامی بوده است در حالی که آیاتی که در روایت به آنها در مورد نزول تدریجی «بسم الله» اشاره شده است مربوط به سوره‌های مکی است. چنانچه اَرکبوا فیها... در آیه ۴۱ سوره هود آمده است و قل ادعوا لله... در آیه ۱۱۰ سوره اسراء و إنه من سلیمان... در آیه ۳۰ سوره نمل آمده است و هر سه سوره مکی است. بنابراین، این مطلب که پیامبر در نامه‌ها ابتدا باسمک اللهم می‌نوشت سپس با نزول این سوره‌ها بسم الله الرحمن الرحیم را بعداً نوشت صحیح نیست. این روایت جعلی بر این مسئله دلالت می‌کند که بسمله در آغاز سوره‌های قرآن نازل نشده است.

۷- عدم جزئیت بسمله و مسأله تحریف قرآن

برخی از رجال اهل سنت شیعه را متهم به عقیده به وقوع زیادی و کاستی در قرآن کرده‌اند (معرفت، ۹۶-۹۷) اما آنان در واقع با عقیده عدم جزئیت بسمله و آیه نبودن آن، به وقوع زیادی و فزونی در قرآن که نوعی تحریف است، قائلند. ابوزهرة با بیان نفی آیه بودن بسمله و عدم جزئیت آن می‌گوید: «بر اجماع دانشمندان نه زیادتی در قرآن وارد شده و نه نقصی» سپس امامیه را متهم می‌کند که قائل به کاستی در قرآن می‌باشند (ابوزهرة، ۳۵۰-۳۵۱).

در حقیقت اقوال اهل سنت در مورد «بسم الله» و عدم جزئیت آن قول به زیادت و فزونی در قرآن است و حال آنکه ابوزهرة ادعای اجماع بر عدم زیادت در قرآن می‌کند. فخر رازی در تفسیر آیه شریفه انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون (حجر/۹) می‌گوید: «اصحاب ما گفته‌اند در آیه بر این مطلب دلالتی قوی است که بسم الله در هر سوره آیه‌ای از آن سوره است زیرا خداوند متعال وعده داده که قرآن را حفظ کند و حفظ معنا ندارد مگر اینکه از فزونی و کاستی مصون بماند و اگر «بسم الله» جزء قرآن نباشد قرآن نه از تغییر مصون خواهد بود و نه از فزونی. اگر این پندار جایز باشد که اصحاب پیامبر (ص) چیزی را در قرآن افزوده‌اند حتماً این پندار که آنان چیزی را از قرآن کاسته‌اند نیز جایز خواهد بود و این عقیده قرآن را از حجیت خارج می‌کند» (فخر رازی، ۱۶۰/۱۹).

ابن طاووس در رد جایی که به شیعه نسبت تحریف داده است، به عقیده آنان در مورد عدم جزئیت «بسمله» اشاره می‌کند و می‌گوید: «تو در تفسیر خود ادعا کرده‌ای که «بسم الله الرحمن الرحیم» جزء قرآن نیست و عثمان آن را در سوره‌ها درج کرده است و این روش پیشینیان شما است که «بسم الله» را آیه‌ای از قرآن نمی‌دانند و حال آنکه یکصد و سیزده آیه قرآن را در مصحف شریف تشکیل می‌دهد و شما می‌پندارید که این آیه زاید است و جزء قرآن نیست. پس این که می‌گویید بسمله بر قرآن افزوده شده و جزء قرآن نبوده است آیا اعترافی از جانب شما بر این مسأله نیست که قرآن دچار فزونی شده است» (ابن طاووس، ۲۵۵).

۸- تبیین حذف بسمله از نماز

در پاسخ به این سؤال که بسمله با چه هدفی از نماز حذف شده می‌توان گفت اقدام معاویه در عدم قرائت «بسم الله» در نماز به دلیل بغض و کینه او با حضرت علی (ع) بود. یکی از ویژگیهای معاویه را می‌توان مخالفت با سیره و سنت حضرت علی (ع) برشمرد از آنجا که اهمیت به آیه کریمه «بسم الله» و بلند خواندن آن در نماز جزء سیره آن حضرت بود بنی امیه برای از بین بردن آثار و سیره آن حضرت آشکارا گفتن «بسم الله» را منع کردند. چنانکه فخر رازی در این مورد می‌گوید: «... و نیز... در این تهمت دیگری نیز هست و آن اینکه علی در آشکارا گفتن بسم الله مبالغه می‌کرد. چون حکومت به بنی امیه رسید کوشیدند با مبالغه در منع از آشکارا گفتن «بسم الله» آثار علی را ابطال کنند» (فخر رازی، ۲۰۶/۱).

نتیجه

«بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از هر یک از سوره‌های قرآن غیر از براءة است و تا زمان پیامبر اکرم (ص) و خلفای پس از او، آن را در نماز در هر دو سوره قرائت می‌کردند تا زمان خلافت معاویه که در مدینه آن را قرائت نکرد و مورد اعتراض صحابه قرار گرفت و همین اعتراض دلیل بر آن است که آنها بسمله را جزء سوره می‌دانسته و در نماز قرائت می‌کردند. سپس کارگزاران بنی امیه مانند عمرو بن سعید بن عاص که والی مدینه بود برای تأیید معاویه از او پیروی کردند. آنگاه روایاتی جعل کردند که رسول خدا (ص) و یا خلفا نماز را بدون بسمله قرائت می‌کردند و این روایات جعلی که هدف از آنها دفاع از معاویه بود، سبب اختلاف بین مسلمانان در این مسأله گردید.

از سوی دیگر برای تأیید روش معاویه در عدم قرائت «بسمله» در نماز در اصل مطلب جزئیت آیه «بسمله» شبهه ایجاد کردند و به جعل و ترویج روایات متناقضی در مورد آیه بودن یا عدم آیه بودن بسمله پرداختند و بدین ترتیب کوشیدند تا با سنت و سیره حضرت علی (ع) در اهمیت بسمله و بلند خواندن آن در نماز مخالفت کنند و آثار و سیره علوی را محو نمایند.

کتابشناسی

- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق/۱۹۹۰م.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی الکریم شیبانی، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ابن عبدالبر، ابوعمر و یوسف بن عبداللہ، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م.
- ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی بن جعفر، سعد السعود للنفوس، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۲ق/۱۳۸۰ش.
- ابن ماجه، ابو عبداللہ محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابوداود، بیروت، دارالجیل، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- ابوزهره، محمد، الامام زید، دارالفکر العربی.
- ابوالفتوح رازی، جمال الدین، رُوح الجنان و رُوح الجنان، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۲ش.
- ابی السعود، محمد بن محمد، ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م.
- احمد بن محمد بن حنبل، مسند، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق/۱۹۹۱م.
- امینی نجفی، عبدالحسین احمد، الفدیر فی کتاب و السنه و الأدب، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۳ق/۱۹۸۳م.
- بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسه البعثه ۱۴۱۵ق.
- بخاری، ابو عبداللہ محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۷م.
- بغوی، حسین بن مسعود، معالم التنزیل، در حاشیه تفسیر خازن، مصر، مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلبی او اولاده، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م.
- بیضاوی، عبداللہ بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸

ق/۱۹۸۸م.

بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، السنن الكبرى، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.
ترمذی، ابو عیسی، محمد بن عیسی، صحیح الترمذی، شرح ابن عربی مالکی، بیروت،
دارالکتب العربی، بی تا.

جرجانی، ابوالمحاسن، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الاحزان فی تفسیر القرآن
معروف به تفسیر گازر، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی محدث، ۱۳۷۸ق/
۱۳۳۷ش.

حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم.
حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، در ذیل آن التلخیص ذهبی، بیروت،
دارالمعرفة.

خازن، علی بن محمد، لباب التاویل فی معانی التنزیل، حاشیه تفسیر بغوی، مصر، شركة مكتبة
و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده، ۱۳۷۵ق/۱۹۵۵م.

خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دارالثقلین، ۱۴۱۸ق.
دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، تصحیح اوتو یرتزل، بیروت،
دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

دارمی، ابو محمد عبدالله بن عبدالرحمن، سنن، دارالکتب العلمیة.
ذهبی، ابو عبدالله شمس الدین، تذکرة الحفاظ، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
همو، التلخیص، نک: حاکم نیشابوری.

رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ش.
رشید رضا، سید محمد، تفسیر القرآن الحکیم، بیروت، دارالمعرفة.
رستگار جویباری، یعسوب الدین، تفسیر البصائر، ایران، قم، المطبعة الاسلامیة،
۱۳۹۹ق/۱۳۵۷ش.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق ابوالفضل
ابراهیم، قاهره، دارالتراث، بی تا.
همو، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، حاشیه تفسیر ابن عباس، تهران، المطبعة الاسلامیة،
۱۳۷۷ق.

- شبر، سید عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴ق.
- شوکانی، محمد بن علی، فتح القدير، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۳ق/۱۹۹۳م.
- صابونی، محمد علی، تفسیر آیات الاحکام من القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- طباطبایي، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۳م.
- طوسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، منشورات مکتبه آیه... المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- همو، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- عسقلانی، ابن حجر، احمد بن علی، الاصابة فی تمييز الصحابة، در ذیل آن الاستیعاب، قاهره مکتبه ابن تیمیه، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م.
- عسکری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، شرکت التوحید للنشر، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م.
- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۲۱ق.
- فخررازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، معروف به التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.
- کاشانی، ملا فتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۴۷ش.
- متقی هندی، علاءالدين علی المتقی بن حسامالدين، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق/۱۹۸۹م.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- محمدی، فتح الله، سلامة القرآن من التحريف و تفنيد الافتراءات علی الشیعة الامامیه، تهران، مشعر، ۱۳۸۲ش.
- مسلم، ابوالحسین مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، بیروت، دارالکتب العلمیه،

۱۴۱۳ق/۱۹۹۲م.

مشهدی، میرزا محمد، کنزالدقائق و بحرالفرائد، مؤسسه نشر اسلامی، وابسته به جامعه

مدرّسین قم، ۱۴۰۷ق.

معرفت، محمد هادی، تحریف ناپذیری قرآن، ترجمه علی نصیری، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی

التمهید و سازمان سمت، ۱۳۷۹ش.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدّة الابرار، معروف به تفسیر خواجه عبدالله

انصاری، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر.

نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب، سنن، با شرح جلال الدین سیوطی، بیروت، دارالجمیل،

بی تا.

نسفی، عبدالله بن احمد، مدارک التنزیل و حقائق التأویل، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۹م.

نیشابوری، محمد بن محمود، بصائر یمینی، تصحیح دکتر علی رواقی، ایران، انتشارات بنیاد

فرهنگ ایران، ۱۳۵۹ش.